

یاد

دفاع «داد» از هنرمند و سینما

احمد مسجدجامعی

داد آثار ارزشمندی را خلق کرد اما شخصیت وی بزرگ‌تر از آثار هنری وی بود. داد هنرمند بود. هنرمند از منش استوار برخوردار است و می‌تواند به گوهر وجود راه یابد و آن را تصویر کند.

ما در آثار اساطیری خود در مقابل هنرمند جادوگر را داریم و در حالی که هنرمند، هنرآفرینی می‌کند، جادوگر تظاهر به خلق اثر بزرگ می‌کند. در داستان ضحاک در اثر برحمت فردوسی می‌بینیم که هنر در آن دوره خوار شد و جادوگر ارجمند و راستی از جهان رخت بریست. جادوگر تصنع می‌کند و هنرمند در بیان مفهوم عالم تلاش می‌کند: هنر خوار شد، جادویی ارجمند

نهان راستی، آشکارا گزند

داد به اخلاق اهل قوت ز نزدیک بود و آن بیان مردانگی را متجلی می‌سازد. شخصیت داد در تمام گوشه‌های زندگی او متجلی بود و همین شخصیت بود که مقدرات سینما را شکل می‌داد. داد معتقد به آزادی بود اما برای آزادی تبصره ایجاد نمی‌کرد تا خلاقیت حذف نشود زیرا او به خلاقیت و آزادی فکر می‌اندیشید و منشی پاک و سالم داشت و با همین منش پاک و سالم می‌توانست همکاران را متقاعد کند تا به بعضی از حریم‌ها وارد نشوند. آزادی موجب خلاقیت و زمینه‌ساز پرسشگری است و در نبودن آزادی و خلاقیت به تکرار می‌رسیم و به سطحی‌نگری نزدیک می‌شویم و از ابتلال سردر می‌آوریم. نگاه داد در این زمینه متفاوت است. داد از حل مسائل و مشکلات نه‌تنها هراسان نیست، بلکه برای اسلام و ایران چنان ظرفیت و توانایی‌ای قائل است که به نظرش از عهده صیانت از تاریخ، هویت، فرهنگ و میراث ارزشمند خود برمی‌آید. در همان زمانی که فیلم ۳۰۰ اکران شد، جلسهای در فرهنگستان هنر درباره این موضوع برگزار شد. داد برخلاف دیدگاه دیگران موضع گرفت و گفت من از این فیلم استقبال می‌کنم. برای اینکه بالاخره ما را وادار می‌کند که به خود بیندیشیم و فکر کنیم در چه درجه‌ایم؟ چه هستیم؟ می‌خواهیم چه کنیم؟ و هویت و موقعیت ما در شرایط امروز چیست؟ داد اساسا با نگاه معمول سیاه و سفید مخالف بود و از همین موضع از هنر و هنرمند و سینما دفاع می‌کرد. حتی در شرایط دشوار هم می‌توانست نظارت سنتی را برجسته کند و آن را به ظرفیتی برای تعامل و گفت‌وگو تبدیل کند زیرا او بیش از آنکه دنبال نقاط ضعف باشد، نقاط قوت را مورد توجه و تاکید قرار می‌داد و در عین حال در ایجاد نقاط تاریک، از نقش و سهم دستگاه‌های حکومتی غافل نبود. داد می‌گفت: «اگر بشود یک ملت را با ۳۰۰ نفر یا کمتر و بیشتر بدنام کرد، پیش‌فرض این است که این ملت خودش با تاریخ خودش به درستی رفتار نکرده است.» داد در عین حال سوی دیگر ماجرا را هم می‌دید و از احتمالات‌های دیگر هم یاد می‌کرد و می‌گفت ممکن است این فیلم زمینه‌ساز تهاجم به ایران هم باشد، هر چند بلافاصله یادآوری می‌کرد که همه مسائل به طرف مربوط نمی‌شود و ما باید ریشه این امور را در داخل هم بررسی کنیم. سیف‌الله داد از مناسبات بین‌المللی و روابط سلطه به



خوبی آگاه است. تلاش او در ارائه روایتی نادر و هنری از موضوع فلسطین نه‌تنها تسلط او را بر ظرفیت‌های تکنیکی سینما نشان می‌دهد، بلکه بیانگر فهم بالای او از شرایط جهانی است که با کوشش و جوشش مستمر حاصل شده است. او برای ساخت «آثار زمانه»، آثار بسیاری را خوانده سوزهٔ مورد نظر خود را بیابد. عاقبت ایده خود را در داستان «هاند الی حیفا» از «فسان کنعانی» یافت. او آنچنان در این داستان تصرف کرد که اصلاً اثر جدیدی به وجود آورد. اگر سیف‌الله خود به بهره‌گیری از آن داستان تا نویسنده، هنرمند، نقاش، بازیگر، روزنامه‌نگار، مترجم و محقق جوان و مبارز فلسطینی اشاره می‌کند، برای کمتر کسی این داوری میسر بود. جنبه اخلاقی شخصیت داد از امثال این رفتارها به خوبی قابل درک است. به ویژه هنگامی که در این زمانه با سرقت‌های ادبی و هنری از برخی پدیدآورندگان مواجه می‌شویم. داد ظرفیت و توان بالای او برای گفت‌وگو و جمع‌بندی داشت. حوزه کار خود را به خوبی می‌شناخت و از همین رو در مناسبات خود با جامعه هنری فراتر از حد معمول عمل می‌کرد و به جای صدور بخشنامه‌ها و برخورد از موضع مدیریتی با آنها به تقاضم می‌رسید. یکی از ویژگی‌های داد اعتقاد به نفس و نگاه مستقل وی بود که بر اساس پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادین شکل می‌گرفت. او با چارچوب تقسیم‌بندی ساده، معمول و سیاسی و در عین حال خطرناک سیاه و سفید دیدن امور مخالف بود. داد به خودش بیش از دیگران سخت می‌گرفت و در توزیع امکانات تفاوت قائل نبود. و در این راه برادر، دوست، موافق و مخالف نمی‌شناخت. او هرگز پست و مقام را اسباب نان و نام نکرده، چه رسد به آنکه بخواهد معنویت، دین و انقلاب را اسباب نان و نام کند. شخصیت مدنی وی فرای از پست و مقام بود. مرگ داد بسیار آموزنده بود. داد به راحتی آماده رفتن بود. مرگ را در زندگی تجربه کرده بود. حالات او در بحرانی‌ترین شرایط از لحاظ شخصی بسیار باعظمت بود و یک بار در اوج بیماری او را دیدم. در وضعیت قرنطینه به سر می‌برد. انتهایی از نزدیک شدن به مرگ بروز نمی‌داد. کتلی را مطالعه می‌کرد درباره تاریخ معاصر ایران و مواردی از آن را علامت زده بود. حدود دو هفته قبل از همراه‌شدنش با فرشته مرگ با او در مجلسی بودیم. در اوج بیماری رفتاری آرام و آرام‌بخش داشت، هر چند از شرایط عمومی به شدت نگران و مضیی و متاثر بود. روح ایمان در این دوران بحرانی بیش از هر زمانی در او نمود داشت. آخرین کار او همچنان ناتمام ماند؛ کاری که در حرم امام رضاع) نیت کرده بود و سال‌ها روی آن تمرکز و مطالعه داشت.

و ما تقووما لانفسکم من خیر تجوده عندالله

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود

رخ تو در نظرم اینچنین خوشش آراست

*** سخنان احمد مسجدجامعی وزیر سابق ارشاد اسلامی در مراسم اولین سالگرد درگذشت سیف‌الله داد**

سینما

گفت‌وگو با علیرضا داوودنژاد

می‌گویند متاسفیم تولید فیلم ایرانی صرف ندارد

مهسا جمشیدیان



همه فکر می‌کنند برای سینما بهترین‌ها را می‌خواهند. بازار بیانیه و نامه حسابی داغ است. می‌گویند وضعیت سینمای ایران ناگوار است. یکی از مباحثی که تازگی‌ها مطرح می‌شود بحث اکران فیلم‌ها و دخالت‌کنندگان در آن است. شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران چندی قبل با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد دست سینماداران باید از روند انتخاب فیلم‌ها برای اکران در سینماها کوتاه شود. پس از آن بیانیه بود که رئیس انجمن سینماداران در گفت‌وگویی اعلام کرد ما هیچ دخالتی در اکران فیلم‌ها نداریم و همین فیلم‌ها را که برخی مواقع در سطح نازلی هم هست اکران می‌کنیم. علیرضا داوودنژاد به عنوان یک تهیه‌کننده و کارگردان با توجه به بحث‌های پیش آمده در این گفت‌وگو درباره مسائل مطرح شده درباره نقش سینماداران با توجه به سطح کیفی و نازل برخی فیلم‌ها صحبت کرد.

شما فکر می‌کنید چرا بعضی سینماداران قبل از انقلاب متهم شدند و سالن‌های آنها مصادره شد؟ اتهام آنها همین بود که سالن‌های سینما را یک مکان صرفاً تجاری فرض کرده بودند و برای خود وظیفه‌ای جز کسب درآمد- به هر قیمت- قائل نبودند. آیا امروز دهنده‌اند آیا این نقض غرض نیست؟ آیا این تکرار همان درستی است که سالن‌دارها فراموش کنند چرا مالکیت

این سالن‌ها را در دست دارند و به همان خو و خصلتی برگردند که صاحبان سالن‌ها قبل از انقلاب به آن مبتلا بوده‌اند آیا این نقض غرض نیست؟ آیا این تکرار همان رفتاری نیست که دیگران را به خاطر آن متهم کردیم؟ شما چگونه می‌توانید قبول کنید که شهرداری ۳۰ سال بعد از انقلاب سالن تأسیس کند و در شرایطی که سینمای ایران گرفتار مضیقّه و تنگنای نمایش است به هواداری نمایش فیلم خارجی بپرد؟

-از نظر شما تعمیدی در کار است؟
شما قضاوت کنید. خوانندگان قضاوت کنند. صاحبان سالن‌ها و تأسیس‌کنندگان دولتی سالن‌های جدید که مدعیانشان فرهنگ بوده و قبول داشتند سینما از مظاهر تمدن است و باید آن را از چنگ سیاست‌زدگی و طمع‌ورزی مالی

نجات داد و باید به اعتلای آن اندیشید، چرا امروز که سینمای ملی در برخی تنگناهای سیاسی و مالی قرار دارد ترجیح می‌دهند آن را به حال خود رها کنند و برای منافع مالی بیشتر دم از نمایش فیلم خارجی بزنند؟ این رفتار فرهنگی‌است؟ اخلاقی است؟ چگونه می‌توان این گونه رفتارها را توجیه کرد؟ آیا آنها نمی‌دانند تولیدکننده داخلی روز به روز بیشتر از بازارهای دپداری و نمایش‌های خارجی سود می‌برند؟ در این بازار در ایران حدود ۵۰ میلیون مخاطب بالقوه دارد. آیین ۵۰ میلیون یا ۳۰ میلیون یا ۲۰ میلیون مخاطب ایرانی چه آثاری را در نمایش‌های خانگی خود می‌بینند؟ فیلم‌های ایرانی چه سهمی در این بازار دارند؟ آمارها چه می‌گویند؟ آیا قبول ندارید که پررونق‌ترین بازار ویدئو در ایران بازار سیاه فیلم‌ها قاقاق و فیلم‌های زیرنویس شده خارجی‌است؟ سهم فیلم‌ها ما از امواج ماهواره‌ای چقدر است؟ فیلم ایرانی چه سهمی از بازار ماهواره در خارج و داخل کشور دارد؟ کانال‌های تلویزیونی چه وضعی دارند؟ یک روز پای کانال‌های داخلی بنشینید و دقت کنید تا متوجه آمار تامل‌برانگیز نمایش فیلم ایرانی در مقایسه با فیلم‌های خارجی بشوید و رفت‌انگیزتر

۱۰۰ سالان در سطح مملکت ۰٫۷۰، ۸۰ میلیونی چگونه است؟ آنها در دسترس چه تعداد از مردم این سرزمین

هستند؟ آیا سینمای ایران باید دهه‌ها میلیون مخاطبی را که از حوزه تأثیر این ۱۰۰ سالن بیرون می‌ماند فراموش کند؟ سینمای ایران باید برای همه مردم ایران فیلم بسازد، نمی‌شود ما چند سینمادار را جلو بیندازیم و سلیقه آنها را برکل فضای سینمایی کشور حاکم کنیم. در شرایطی که فیلم‌های ایرانی روزبه‌روز بیشتر از زندگی ایرانی دور می‌افتند و تقلید و کلیشه و کیپی‌برداری بر روند تولید فیلم تحمیل می‌شود و سینماداران خواسته و ناخواسته به این جریان دامن می‌زنند، آیا عاقلانه است که وانمود کنیم سلیقه سینماداران می‌تواند سینمای ایران را نجات دهد؟ آیا از سر اتفاق است که نماینده سینمادارها با همه داعیه‌های کارشناسی و مدیریت برای نمایش فیلم خارجی به قول خودش لاله می‌زند؟ آیا مقصود واقعاً نجات سالن‌های نمایش است؟ آیا آنها نمی‌دانند نمایش فیلم خارجی سانسور شده که نسخه‌های اصلی آنها با زیرنویس فارسی در پیاده‌روهای خیابان‌ها ریخته است، نمی‌تواند دردی از سالن‌ها دوا کند؟ آیا آنها نمی‌دانند و اطلاع ندارند و از تاریخ نمایش فیلم در ایران بی‌خبر هستند و نمی‌دانند مردم ایران همیشه فیلم ایرانی را به فیلم خارجی ترجیح داده‌اند و اگر سینمای ما بتواند از گردنه ممیزی و تله انحصار در پخش و نمایش بیرون بیاید، می‌تواند سالن‌های نمایش را از انبوه تماشاگر پر کند؟

نعل وارونه زنیم. آدرس غلط ندیم. برای منافع ناچیز تعدادی به سینمای کشور ضربه زنیم. نابودی سینمایی که قابلیت خود را در طول دهه‌ها آشکار کرده برای هیچ کس افتخار نمی‌شود. سرکشستگی سینمای ایران هیچ کس را سربلند نمی‌کند.

-جمع‌بندی نهایی و اجرایی شما چیست؟

ما چهارم داریم جز آنکه با تشکیل گروه‌های نمایشی برای تولیدکننده حداقل تضمین را در تقسیم ظرفیت‌های نمایش ایجاد کنیم. باید با تشکیل گروه‌های نمایش ده‌شده فیلم‌های ایرانی شرایطی به وجود بیاوریم که دفاتر پخش از حالت رکود و ورشکستگی خارج شوند. صدور پروانه ساخت باید به جای ممیزی فیلمنامه به کیفیت و تنوع تولید بیندیشد. باید انواع سلیقه‌ها را در نظر گرفت. باید آرایش اکران داشت و از تسلط یک گونه نمایشی بر سینما جلوگیری کرد. باید از شکست‌ها درس گرفت، نوبت را در نمایش رعایت کرد و تولیدات پخش خصوصی را بر تولیدات دولتی ارجحیت داد.

-کجا و چه کسانی باید این برنامه‌ها را اجرایی کنند ؟

شورای عالی صنفی که در آیین‌نامه نمایش پیش‌بینی شده اکنون باید با بگیرد. در آنجا دولت، جامعه اصناف، صاحبان فیلم و صاحبان سالن نماینده دارند. با فعال کردن این شورا شاید بتوان اوضاع اکران را تا حدودی سر و سامان داد.

-پس شما به عملکرد شورای صنفی نمایش و گروه‌های سینمایی موجود انتقاد دارید؟

در مورد شورای صنفی آنچه اکنون وجود دارد این است که تنها به کار ثبت قرارداده‌ها و پابین و بالا رفتن فیلم‌ها نظارت دارد.

کار شورای عالی صنفی که هنوز تشکیل نشده نظارت بر عملکرد این شورا و کلاً رسیدگی به وضعیت عمومی اکران است. این شورا که باید با همکاری خانه سینما و اداره نظارت تشکیل شود هنوز کار خود را شروع نکرده و الان وقت آن است که این شورا تشکیل شود.

-چرا تا به حال این شورا تشکیل نشده، چه کسی کم‌کاری کرده است؟

متأسفانه اختلافاتی بین خانه سینما و ارشاد وجود دارد که ادامه این اختلافات به مضللات تولید و اکران هر روز بیشتر دامن می‌زند.

-تقدّرتان بابت گروه‌های سینمایی از چه بابت است ؟

الان آنچه وجود دارد گروه سینمایی نیست. یک سالن سینماست که به عنوان سرگروه قرارداد می‌بندد و تعدادی سینما را به خود هم‌ره می‌کند. اما آنچه ما می‌خواهیم لااقل پنج سینمای ثابت و تضمین‌شده است که از میان آنها لااقل دو سالن باید پای قرارداد هر فیلم را امضا کنند.

-همان‌طور که چند سال قبل بود؟

بله، از هم پاشیدن همین گروه‌های سینمایی بود که به انحصار و سلطه سالن‌ها منجر شد.

-امیدوار هستید؟

ناامید نیستیم. من به ظرفیت‌های ذوقی، تخصصی و خلاق سینمای ایران ایمان دارم. اگر موانع تولید و عدالت در تقسیم ظرفیت‌های نمایشی از پیش پای سینمای ایران برداشته شود و بین فیلمسازان و مردم رابطه‌ای آزاد و خلاق شکل بگیرد ما می‌توانیم حتی بازارهای ازدست‌رفته را به فیلم‌های داخلی برگردانیم.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۸ *شوق* *روزانه*

نگاه

ما حق انتخاب فیلم‌ها را داریم

فرشید موتمنی‌آذر

به نظر من تهیه‌کنندگان وقتی فیلم را درست می‌کنند، دیگر نباید برای سالن‌داران تصمیم بگیرند که کدام فیلم را اکران کنند. آنها سال‌ها زحمت کشیدند و عملکرد کار آنها معلوم است. باید خودشان قاضی باشند ببینند آیا موفق بوده‌اند یا باعث ورشکستگی سینما شدند. دیگر به کار سالن‌داران چه کار دارند. من به عنوان یک سینمادار باید هر فیلمی را که می‌خواهم بر اساس انتخاب خودم در سالن سینمای خودم اکران کنم. تهیه‌کنندگان بسیار زحمت می‌کشند و من خیلی هم از آنها ممنون هستم اما اینکه بخواهند برای سالن‌داران در مورد اکران فیلم‌ها تصمیم بگیرند، یک نوع دخالت در امور افراد است. آنها تلاش کرده‌اند و سینمای ما را زنده نگه داشته‌اند اما نباید به امور سینماداری ما داخل شوند. این کار در من نوعی احساس حقارت ایجاد می‌کند.

وقتی آنها زحمت می‌کشند و به کار خود اطمینان دارند، باید برای سالن‌دار هم این حق انتخاب را قائل باشند که خودش تصمیم بگیرد که می‌خواهد چه فیلمی را اکران کند. چند هفته و با چه کف فروشی! آنها می‌خواهند علاوه بر کار عرضه، کار تقاضا را هم در اختیار خود بگیرند. باید ببندیریم که سینما از دنیای غرب آمده. ما با باید از آنها الگو بگیریم یا حداقل شبیه آنها رفتار کنیم البته این بحث فقط به عده‌ای از تهیه‌کنندگان مربوط می‌شود. همه آنها این مشکل را ندارند. از سوی دیگر طی یک آمارگیری در چند سال اخیر، می‌توان فهمید چه فیلم‌هایی پرفروش بوده و سلیقه مخاطب را شناخت. تهیه‌کننده‌ها هم می‌توانند طبق این سلاقی و خواست مردم فیلم بسازند.



در این سال‌ها مدیران دولتی تغییر کردند و هر کدام خواستند بر اساس سلیقه خود مدیریت کنند و در عین حال مدیر موفقی هم باشند، حال اینکه آنها و مشاوران همراه آنها موفق بودند یا نه را من نمی‌دانم ولی می‌دانم که هر مدیری قدش موفق بودن است. طی جلساتی با مدیران فعلی داشتیم، آنها علاوه بر اینکه می‌خواهند به سینما کمک کنند معتقدند این روش فعلاً برای سینما بهترین است. کمی دقت کنیم، می‌بینیم ما اقتدر کالای متنوع نداریم که حالا دولت هم بخواهد در این رابطه دخالتی بکند ولی در این بین موضوع دیگری مطرح می‌شود که دولت از من می‌خواهد فیلمی را در سینمای خودم اکران کنم و یارانه آن را بگیرم. درست است که سینما به یارانه نیاز دارد ولی این کار گام‌پروری است، البته من فکر می‌کردم این بحث دیگر کهنه شده ولی ظاهراً هنوز بعضی از تهیه‌کننده‌ها قصد دارند آن را مطرح کنند. اما به نظر من این بحث به جایی نمی‌رسد، اگر هم تهیه‌کننده اقتدر به کار خود اطمینان دارند می‌توانند سالن‌ها را با کمترین گارانتی یا حتی مجانی کرایه کنند و فیلم خود را اکران کنند. وقتی از کار خود مطمئن هستند چرا این کار را نمی‌کنند؟

منشاء تمام مشکلات کمبود سالن سینماست جمال ساداتیان



در شرایط فعلی به نظر من هم تهیه‌کننده‌ها حق دارند هم سالن‌داران. در واقع از منظر هر کدام که نگاه کنیم حرفشان درست است. مشکل اصلی این است که ما سالن نمایش کم داریم و تولید ما نسبت به تعداد سالن‌ها بسیار زیاد است. ما در سال ظرفیت اکران ۴۰ فیلم در تهران را داریم، اما تولید فیلم‌های ما در سال خیلی بیشتر از این تعداد است بنابراین اکران دچار بحران می‌شود. وقتی ما بیش از ۴۰ فیلم را نمی‌توانیم اکران کنیم طبیعی است که مازاد فیلم‌ها در نوبت اکران می‌ماند و این حرف و حدیث‌ها آغاز می‌شود. اما باید ببندیریم که منشاء تمام این بحث‌ها کمبود سالن سینماست. وقتی تعداد سالن‌ها کم باشد تعادل عرضه و تقاضا به هم می‌خورد. ما تولید فیلم را بالا بردیم که اشتغال ایجاد کنیم، حالا امکان اکران همه تولیدات را نداریم. در این میان افرادی هم بر اساس برخی روابط از هر طریق سعی می‌کنند فیلم‌شان رنگ پرده را ببینند از سوی دیگر شرایط جامعه و آنچه ما به مخاطب آموزش می‌دهیم خواسته بینندگان را نشان می‌دهد و بر این اساس می‌توانیم بفهمیم مخاطب به چه زائری را بیشتر ترجیح می‌دهد. اما وقتی تعامل به هم می‌خورد مشکلات هم بیشتر می‌شود. از منظر سینمادار هم نگاه کنید او هم حق انتخاب دارد که هر فیلمی را که می‌خواهد اکران کند. ما این همه سالن سینمای غیرقابل استفاده داریم و به نسبت فیلم‌های تولیدشده دچار کمبود سالن هستیم. کمبود دولت در این رابطه به دو صورت می‌تواند باشد؛ یکی اینکه ساخت سالن‌های سینما را افزایش دهد و دیگر اینکه کمی تولید فیلم‌ها کنترل شود. اگر این تعامل را بتوان برقرار کرد دیگر دچار این مشکلات نمی‌شویم. در حال حاضر هیچ کاری نمی‌توان کرد. باید کارای کنیم که در سال به جای حدود ۱۴۰ فیلم، فقط ۵۰ فیلم تولید شود که بتوانیم از بین آن ۴۰ فیلم را اکران کنیم.